

آسیب‌شناسی سیاست جنایی ایران در زمینه پیشگیری از جرائم بانکی^۱

مرضیه همتی^۲، بهاره جدید^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۵

چکیده

زمینه و هدف: یکی از بارزترین نمونه‌های بحران‌های پدیده جنایی، جرائم اقتصادی و بانکی است که در سطح داخلی ایجاد و آثار آن در روابط خارجی نیز نمود می‌یابد. بنابراین به‌کارگیری رویکرد سیاست جنایی در قالب فراملی در قبال جرائم سازمان‌یافته فراملی نه تنها بلامانع بلکه حتی می‌تواند عاملی موثر در پیشگیری و مبارزه با این‌گونه پدیده‌های مجرمانه محسوب شود.

روش: این پژوهش باهدف آسیب‌شناسی سیاست جنایی ایران در زمینه پیشگیری از جرائم بانکی انجام گرفت و روش کار براساس مطالعات کتابخانه‌ای به‌صورت توصیفی - تحلیلی است و داده‌های آن از طریق فیش‌برداری جمع‌آوری شد.

یافته‌ها و نتایج: نتایج نشان داد که باتوجه به موقعیت و امکانات بانکی، وقوع جرائم بانکی و فساد مالی در این نوع سیستم بسیار محتمل به‌نظر می‌رسد. برای شکل‌گیری فساد مالی، کارمندان بانک عوامل بسیار مؤثری هستند که از آنها می‌توان به عوامل سازمانی و اداری، مقررات غیرواقع‌بینانه یا غیرضرور، تعاریف و استانداردهای عملیاتی مبهم در قوانین و مقررات، رویه‌های اداری پیچیده و بغرنج، حقوق و دستمزد پایین کارکنان دولتی، عوامل فرهنگی و اجتماعی مانند زدوبندهای میان سیاست‌مداران، مقامات دولتی و تجار و عوامل شناختی و گرایشی مانند سطح پایین اخلاقیات و درستی در ادارات دولتی و رواج خودگرایی، خویشاوندمداری و منطقه‌گرایی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، سیاست جنایی، پیشگیری، جرائم بانکی.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق دانشکده علوم انسانی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس با همین عنوان است.

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

marzieh.hemati@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس، ایران. رایانامه:

Bahare_hadid@gmail.com

مقدمه

در سال ۱۸۰۳ میلادی، «فویر باخ»، پروفیسور آلمانی، با به‌کاربردن اصطلاح سیاست جنایی در کتاب حقوق کیفری خویش، برای اولین بار این اصطلاح را در قلمرو حقوق کیفری وارد کرد؛ از آن پس تا به امروز مفهوم سیاست جنایی تحولات فراوانی را به خود دیده به‌طوری‌که نتیجه این فرایند، فربه‌تر شدن این اصطلاح از آغاز تا زمان کنونی شده است. از دیدگاه «فویر باخ» سیاست جنایی، شامل مجموعه شیوه‌های سرکوبی می‌شود که دولت از طریق آنها و با توسل به آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد. امروزه شاهد بسط سیاست جنایی هستیم که در معنای وسیع، سیاست جنایی عبارت‌است از: «روش‌هایی که هیئت اجتماع (دولت و جامعه) با توسل به آنها پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازمان می‌بخشند (مارتی، ۱۳۸۱، ص ۲۳). با توجه به مولفه‌های تعریف یادشده از یک‌سو و گستردگی قلمرو حقوق کیفری از سوی دیگر، باعث شده است که امروزه، به برداشت فویر باخ از سیاست جنایی، تعبیری مضیق یا به اصطلاح همان سیاست کیفری در معنای خاص، اطلاق شود زیرا سیاست جنایی در تفکر فویر باخ، بیشتر ماهیت قهرآمیز و تنبیهی دارد. این ابزارها به‌طور کامل، جنبه رسمی (دولتی) دارند، به این معنا که فقط قوای عمومی حاکمیت (دادگاه، پلیس، زندان و مانند آن) اجراکننده این ابزارها هستند. در این رویکرد، جرم تنها پدیده‌ای است که این ابزارها به مقابله با آن می‌پردازند و حد و مرز جرم را نیز قانون‌گذار مشخص کرده است. بنابراین سایر رفتارهای منحرفانه، هرچند که از لحاظ اخلاقی و اجتماعی مذموم هم باشند از این تعریف خارج است. پیشگیری از جرم نیز، تنها پیشگیری کیفری را شامل می‌شود، زیرا اقدام‌های پیشگیری غیرکیفری در این تعریف جایگاهی ندارد (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

پس از پایان جنگ دوم جهانی، مارک آنسل (قاضی و پژوهشگر فرانسوی) در مقاله خویش در سال ۱۹۷۵، تعبیری تاحدودی موسع نسبت به آنچه که فویر باخ مطرح کرده بود، ارائه

کرد؛ ایشان سیاست جنایی را همزمان «علم مشاهده و مطالعه» و «هنر، فن یا راهبرد اصولی و نظام یافته واکنش ضد جنایی» دانسته است (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

بدیهی است که حقوق کیفری (سیاست کیفری) همواره نقش محوری در سیاست جنایی ایفا می کند ولی در کنار آن شیوه های دیگر کنترل و پاسخ دهی به پدیده بزهکاری (جرم و انحراف) اعم از دولتی و جامعه نیز بررسی می شود. بدین ترتیب سیاست جنایی، مجموعه تدابیر متنوع کیفری و غیرکیفری است که دولت و جامعه مدنی به طور مستقل یا با مشارکت یکدیگر (سیاست جنایی مشارکتی)، در برخورد با جرم و انحراف در پیش می گیرند؛ بنابراین، حکومت ها و دولت ها با توجه به مبانی سیاسی، حقوقی، فرهنگی و ارزشی خود، مدل های مختلف سیاست جنایی را ترسیم می کنند؛ بدین نحو که در مدل های دولتی سیاست جنایی، پاسخ های دولتی و رسمی به پدیده مجرمانه نسبت به مراجع غیردولتی و جامعه قوی تر است و مراجع دولتی همواره بر جامعه مدنی غلبه دارد و بر این اساس، مدل اقتدارگرا، اقتدارگرایی فراگیر و مدل دولتی جامعه مردم سالار (لیبرال) را تشکیل می دهد (اکبری، ۱۳۸۹، ص ۱۲). با این رویکرد و براساس این دیدگاه سیاست جنایی علاوه بر جرم که یک مفهوم حقوقی می باشد، به پدیده انحراف و کژروی نیز که یک پدیده اجتماعی است نیز توجه شده است. علاوه بر جنبه سرکوبی و مجازات بزهکاری رویکرد پیشگیرانه را نیز شامل می شود که البته این پیشگیری، شامل پیشگیری اجتماعی در قالب نظام های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، مالی و اقتصادی نیز می شود (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

اقتصاد کشور نبض تپنده و قدرت هر جامعه است، به گونه ای که هر اجتماعی با تکیه بر پایه های نظام اقتصادی قدرتمند می تواند از لحاظ سیاسی مطرح و با ثبات بماند و به عبارتی هر کشوری با روی آوردن به اقتصاد محکم و استوار می تواند در جهت دستیابی به یک نظام با صلابت تبدیل شود (صادقی، ۱۳۸۹).

برای صیانت و حمایت از نظام اقتصادی بایستی برنامه ریزی های دقیق و علمی برای کوتاه مدت و درازمدت، هم از جهت اقتصادی و هم از لحاظ حقوقی صورت گیرد. بنابراین

اولین حامی نظام اقتصادی خود علم اقتصاد و آخرین حامی آن حقوق جزا می‌تواند باشد. تدبیر و چاره‌اندیشی اصولی سیستم تقنینی جامعه در قالب شناسایی و جرم‌انگاری اعمال یادشده به‌عنوان اولین قدم در راه مبارزه کیفری نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت جامعه در قبال این جرائم دارد؛ ولی تعدد نهادهای قانون‌گذار و منابع قانونی، مسامحه در تدوین قوانین و جرم‌انگاری و مانند آن، حکایت از کاستی‌هایی در حوزه سیاست جنایی ما در قبال مفسد اقتصادی دارد.

آثار سوئی که از مفسد اقتصادی ایجاد می‌شود، اقتضاء می‌کند که یک سیاست جنایی معقول و منطقی برای مبارزه با این نوع مفسد، پیش‌بینی شود. در برخورد با جرائم بانکی بایستی با حساسیت‌های خاص و بدون شعارگرایی در قوه قضائیه تعقیب شود. به‌طور مسلم تدوین لوایح قضایی مناسب در این قلمرو همانند سایر قلمروهای حقوقی از وظایف قوه قضائیه بوده و این قوه نباید در مبارزه با این جرائم تحت تأثیر نگاه‌های سیاسی و اجرایی غیرقضایی قرار بگیرد. برخورد شایسته قانونی، تضمینی برای اقتصاد سالم و جلوگیری از فرار سرمایه خواهد بود (کوشا و دهقانی سانج، ۱۳۹۶، ص ۶۳).

بنابراین، نظر به آثار شوم پدیده فساد مالی به‌خصوص در حوزه‌های بانکی از جهت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، لزوم اتخاذ سیاستی جامع و کاربردی (سیاست جنایی) مبتنی بر امر؛ حتمیت، قطعیت و سرعت در اجرای مجازات در راستای پیشگیری بیش از پیش آن احساس می‌شود. از این‌رو، مطالعه جنبه غالب سیاست اتخاذ شده از طرف کشورها را در این مورد سیاست کیفری تشکیل می‌دهد، ولی باید توجه داشت که سیاست کیفری در بخشی از سیاست جنایی است که باید ابعاد مختلف آن در راستای پیشگیری از فساد و جرائم در ابعاد مختلف اقتصادی در نظام بانکداری تبیین شود. نبود تشکیلات سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی در خصوص برنامه‌های پیشگیری از جرائم در حوزه‌های مالی و اقتصادی بانک‌ها و وجود مشکلات عدیده و گاه سیاست‌های غلط اقتصادی و صدها عامل ناشناخته دیگر دست به دست هم داده تا برخی افراد در نظام بانکی مرتکب جرائم مالی شوند و اقتصاد کشور را

بسان کلاف پیچیده‌ای نابسامان کنند. از این رو، پرسشی که در اینجا می‌تواند مطرح شود این است که باتوجه به این امر که سیاست جنایی باید تابع اصول حقوقی خویش همچون اصل سرزمینی بودن جرائم و مجازات‌ها باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸)، چگونه می‌توان به سیاست جنایی تأثیرگذار بر پیشگیری از جرائم بانکی دست یافت؟

پیشینه: نظر به بررسی منابع مرتبط با موضوع پژوهش، تنها برخی پژوهش‌های انجام شده، به صورت مستقیم به بحث و تبیین چالش‌های سیاست جنایی در پیشگیری از جرائم بانکی پرداخته‌اند و این در حالی است که بیشتر پژوهش‌ها، سیاست جنایی را در حوزه‌های دیگر بحث کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

موسوی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «جرائم موسسات پولی و اعتباری غیربانکی در حقوق ایران» نوشته است که جرائم موسسات پولی و اعتباری به لحاظ ارتباط مستقیم آن با منافع عمومی و سیستم اقتصادی کشور به نحو کلی از زمره جرائم اقتصادی است که کشور ما به خصوص در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آن مواجه بوده است. دگرگون شدن نحوه ارتباط مالی و پولی اشخاص جامعه، نیاز اشخاص به نقدینگی، انجام تبادلات پولی و سرمایه‌گذاری اشخاص در بازار پول، همگی از جمله اسبابی هستند که لزوم وجود نهادهایی با فعالیت‌های پولی و اعتباری را ایجاب نموده‌اند. در این بین تخلف از مقررات و ضوابط حاکم و انحراف از اهداف و موضوع این قبیل نهادها که تأثیر قابل توجهی بر نظام اقتصادی کشور می‌گذارد، قابل پیش‌بینی است. قانونگذار به منظور مقابله با معضل مربوط به تخلفات نهادهای پولی و اعتباری و اعمال مجازات‌های مناسب و پیشگیری از وقوع جرائم سنگین‌تر و بروز مسائل حاد اقتصادی، نسبت به جرم‌انگاری افعال و ترک افعال تخلف‌آمیز این قبیل اشخاص اقدام کرده است. سبزعلیان (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «بررسی مقررات مبارزه با پولشویی در حقوق کیفری ایران» نوشته است که منظور از تطهیر مال، مخفی کردن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل آنها به اموال پاک است. به طوری که یافتن منبع اصلی مال غیرممکن یا بسیار دشوار شود. همچنین نتایج پژوهشی نشان داد

که در حقوق ایران، اموال نامشروعی که منشا حصول آن راه‌های غیرقانونی بوده است، اگرچه بارها در فرآیند پولشویی در معامله‌های درست و به‌ظاهر قانونی هم انجام شود، باز هم تطهیر نمی‌شود. کشف و اثبات جرم پولشویی علاوه بر همکاری بانک‌ها و موسسات مالی، باید در زمینه تسهیلات اثبات این جرم، اتهام را متوجه متهم کرد تا بتوان جرم را بهتر تشخیص داد و به نتیجه مطلوب رسید. رضانی و عبدی (۱۳۹۷) در پژوهش خود باعنوان «خلاءهای قانونی برای مبارزه با جرائم اقتصادی در حقوق ایران» نوشته است که جرائم اقتصادی از معدود جرائمی است که برخلاف سنتی‌بودن برخی از مصادیق آن، مدنظر حقوقدانان در دهه‌های اخیر قرار گرفته است. ولی تاکنون هیچ تعریف مشخصی از جرائم اقتصادی در کشورمان ارایه نشده است. شناسایی این مفاسد و جرم‌انگاری درخصوص آن از دغدغه‌های قوه مقننه هر کشوری است. در حیطه فعالیت‌های اقتصادی آنچه باعث می‌شود یک عمل مفسده‌انگیز تلقی شود، مضربودن آن عمل و واردکردن ضرر به جامعه و افراد جامعه است. بنابراین واژه ضرر همیشه با جرائم اقتصادی همراه بوده و بدون ضرر جرمی باعنوان جرائم اقتصادی محقق نمی‌شود. اسدی (۱۳۹۷) در پژوهش خود باعنوان «بررسی حقوقی پولشویی در نظام بانکی کشور» نوشته است که سرعت بالای جهانی‌سازی اقتصادی و مالی، از یک‌سو اعتقاد به وجود این فرآیند بی‌سابقه تاریخی را موجب شده و از سوی دیگر ایجاد یک سازمان کیفری فوق‌العاده موفق و مطلوب را تقویت کرده است. اعتقاد راسخ به این امر سبب گمراهی و خطای فاحش بسیاری از رهبران سیاسی جهان شده است و آنها به پیامدهای بعضاً منفی جهانی‌سازی مالی که تقریباً تمام روابط انسانی و اجتماعی را تحت الشعاع سلطه خود قراردادده بی‌توجه کرده است. این مسئله، رشد فزاینده جرائم اقتصادی سازمان‌یافته و گسترش انتقال دارایی‌های نامشروع در سطح جهان را باهدف تغییر هویت این دارایی‌ها از طریق به گردش آوردن آنها در سرمایه‌گذاری‌های مشروع به همراه دارد. ابوالحسنی هستیانی و دانیالی (۱۳۹۷) در پژوهش خود باعنوان «تدوین الگوی راهبردی پیشگیری از پولشویی در ساختار بانکی کشور - مطالعه موردی

بانک صادرات ایران» نوشته‌اند موضوع مبارزه با پولشویی و استانداردهای آن در ابعاد بین‌المللی و داخل کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است تا جایی که گروه اقدام مالی و حتی بانک تسویه بین‌المللی، با عنایت به این استانداردها به رتبه‌بندی بانک‌ها و سبک‌های مترتب بر آن در کشورها مبادرت می‌کنند. در این راستا نظام بانکی هر کشور موظف‌اند با پیاده‌سازی نظامات و دستورالعمل‌های مرتبط با قوانین مبارزه با پولشویی خود در جهت استانداردهای یادشده حرکت کنند و هم مسیر را برای مراودات بین‌المللی هموار کنند. بر این مبنا تدوین و ارائه الگوی پیشگیری و مبارزه با پولشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نتایج نشان می‌دهد اقدامات به‌عمل آمده درخصوص پیشگیری و مبارزه با پولشویی در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی تدوین شده توسط گروه مالی، انطباق کامل ندارد.

مبانی نظری

۱۴۷

سیاست جنایی هدف‌دار برای دستیابی به اهداف خود، به ابزار کارآمدی احتیاج دارد که باتوجه به ابزار مورد استفاده سیاست جنایی، می‌توان آن را به سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی مشارکتی تقسیم کرد (لازرژ، ۱۳۸۱، ص ۹۳).

سیاست جنایی تقنینی: سیاست جنایی تقنینی مجموعه‌ای از تدابیر مبارزه با بزهکاری را دربر می‌گیرد که در قانون متجلی شده است و ضمانت اجرای قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی، ضمن آنکه صلاحیت قانونی دارد؛ معیار و مبانی انواع دیگر آن بوده و بیانگر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه است. سیاست جنایی تقنینی، گاه بر عمل منحرفانه یا مجرمانه تکیه دارد و گاهی نیز بر شخصیت مباشر و مرتکب آن عمل مجرمانه یا منحرفانه، تأکید می‌کند. سیاست جنایی تقنینی مبتنی بر شخصیت بزهکار یا منحرف، است و با این دیدگاه، قانون، زمانی مبتنی بر سیاست جنایی است که «فردی کردن» ضمانت اجرای کیفری، کنترل اجتماعی را برای مساعد و هموار نمودن راه بازگشت بزهکاران و منحرفان به جامعه، میسر سازد. در این حالت ممکن است مجازات و به طور

کلی ضمانت اجرا، حتمی و قطعی نبوده و با جرم ارتكابی نیز تناسبی نداشته باشد؛ زیرا آنچه مهم است، شخصیت مجرم یا منحرف است نه عمل ارتكابی (لازرژ، ۱۳۸۱، ص ۹۶).

سیاست جنایی قضایی: سیاست جنایی قضایی به معنای مضیق آن، یعنی سیاست جنایی که در تصمیم‌ها و عملکرد دادگاه‌ها منعکس است. پس از آنکه قانونگذار، سیاست جنایی خود را در قالب قوانین و مقررات پیاده کرد، این قوانین و پیام‌های قانونگذار، به صورت‌های متفاوتی درک و پذیرفته می‌شود. قانون به تبیین اصول و مبانی کلی نظام کیفری یک جامعه پرداخته و تفسیر و تطبیق آن را در موارد خاص به قضات محاکم واگذار کرده است. این امر یعنی روح بخشیدن به الفاظ خشک و بی‌روح قوانین و فعلیت بخشیدن به آنها. به بیان دیگر، «سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی، آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می‌گیرد» (قیاسی، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

سیاست جنایی مشارکتی به معنی تعیین میزان مشارکت مؤثر و فعال جامعه‌ی مدنی در سیاست جنایی است. به عبارت دیگر، در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد ابزارها و اهرم‌های تقویتی دیگر به غیر از پلیس یا قوه قضاییه به منظور اعتبار بخشیدن به طرح سیاست جنایی است که به وسیله قوه مجریه و مقننه تدوین می‌شود. در ایران، با الهام از مبانی فقهی و بدون توجه به مباحث جدید علمی پیرامون این موضوع، مقررات قابل توجهی برای مشارکت جامعه مدنی در این زمینه فراهم شده است که برجسته‌ترین جنبه آن، به مشارکت بزه‌دیده در فرایند کیفری مربوط می‌شود. ضمن اینکه جامعه مدنی ایران با تکیه بر آموزه‌های دینی و پشتوانه فرهنگ و سنت غنی مشارکتی خود، از بسترهای مناسبی در این راستا و به‌ویژه پیشگیری از بزهکاری برخوردار است (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷، ص ۱۱). در نتیجه، سیاست جنایی تقنینی با استفاده از ابزار قوانین، سیاست جنایی قضایی با استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس یا نظام نیمه آزادی و سیاست جنایی مشارکتی با استفاده از حمایت و مشارکت اهرم‌های مردمی (علاوه بر استفاده از ابزارهای قانونی و قضایی)، سعی در رسیدن به اهداف سیاست جنایی مطلوب را دارند.

پولشویی در یک بیان ساده به معنی اقداماتی است که به منظور مخفی کردن منشا و منبع واقعی پول حاصل از اعمال مجرمانه و دادوستدهای نامشروع صورت می‌گیرد تا به اصطلاح پول آلوده و نامشروع، در ظاهر پاک و قانونی جلوه کند. قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲ مجلس شورای اسلامی به ذکر مصادیقی از جرم پولشویی پرداخته است که با توجه به مصادیق یادشده می‌توان تعریفی کلی از پولشویی را استنباط کرد. براساس ماده ۲ قانون مبارزه با پول شویی: «جرم پولشویی عبارت است از:

الف. تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد.

ب. بدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشا غیرقانونی آن با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد.

پ. خفاء یا پنهان کردن ماهیت واقعی، منشا، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد»

با توجه به مفاد ماده یادشده، پولشویی را به‌طور خلاصه می‌توان چنین تعریف کرد: «اقداماتی که فرد با بکارگیری ابزارهای قانونی و باهدف عدم امکان قابلیت ردیابی گردش عواید حاصل از جرم، به‌منظور استفاده از درآمدهای نامشروع انجام می‌دهد. به‌عنوان مثال فردی که وجوه غیرقانونی و غیرمشروع ناشی از جرائمی همچون اختلاس، ارتشاء، قمار، کلاهبرداری، قاچاق و مانند آن را در اختیار دارد برای گم کردن و پنهان ساختن منبع واقعی آن وجوه، اقدام به تبدیل این وجوه به اوراق مشارکت، سهام و سپرده‌های سرمایه‌گذاری به نام خود یا دیگران، خرید اموال منقول و غیر منقول و یا صدور حواله به نام خود یا دیگران می‌کند تا بدین وسیله شناخت و تعقیب کیفری مجرم یا مجرمان دشوار و یا غیرممکن شود (باقرزاده، ۱۳۸۳، ص ۶۳).

پولشویی، جرمی ثانویه است، یعنی پولشویی همیشه پس از ارتکاب جرم اصلی اتفاق می‌افتد که بیشتر این جرائم پول نقد فراوانی عاید مجرمان آن می‌کنند، اعم از آنکه جرم

اولیه مالی یا غیر مالی باشد. به‌عنوان مثال باوجود آنکه موضوع اصلی جرم آدم‌ربایی مالی نیست ولی ممکن است عواید مالی داشته باشد که مجرم توسط خود یا دیگران برای مشروع نشان دادن درآمد حاصل از آن اقداماتی انجام دهد.

نظریه‌های مربوط به ارتکاب جرائم اقتصادی و بانکی

نظریه روان‌شناختی (ژان پیناتل): بزهکار اقتصادی از عقده حقارت رنج می‌برد و همین امر عامل محرک و انگیزه اصلی او برای کسب قدرت به‌شمار می‌رود. او عقده خود را با خرید کالاهای اشرافی نشان می‌دهد. در عین حال باید توجه داشت که مجرم اقتصادی از چنان قدرت و توانایی فکری برخوردار است که آن دسته علایم بیرونی قدرت را که حساس‌برانگیز است مخفی می‌کند. مثلاً به‌منظور عدم پرداخت مالیات اموال آنها را به پول نقد تبدیل یا به شخص دیگری در خارج منتقل می‌کند. ایراد این نظریه این است که فرد مجرم را جدای از محیط و موقعیت یا وضعیتی که در آن عمل می‌کند قضاوت و تحلیل می‌کند. مانند کارمندی که اراده ارتکاب جرم دارد ولی کنترل‌های قانونی و اداری مانع این امر می‌شود (نظری، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

نظریه فشار مرتن: بزهکاران اقتصادی وسایل قانونی را، به‌منظور دستیابی به بالاترین نماد موفقیت دور می‌زنند. بین اهداف سطح بالای بزهکاران اقتصادی و وسایل قانونی دستیابی به اهداف شکاف قابل توجهی وجود دارد. درست مثل کسی که می‌خواهد در مسابقات وزنه‌برداری مقام نخست را کسب کند ولی به‌دلیل تمرین نکردن به دوپینگ متوسل می‌شود. خلاقیت بزهکار اقتصادی به‌واسطه شکاف بین هدف‌های مادی و امکانات قانونی ایجاد می‌شود و فرد را در حالت خلاء هنجاری قرار می‌دهد. هرچقدر این شکاف بیشتر باشد بی‌اعتنایی به هنجارها و دور زدن قانون بیشتر می‌شود. مرتن بزهکاری را ناشی از وضعیتی می‌داند که جامعه به‌وجود آورده است. این نظریه مختص جوامع دارای اقتصاد غیردولتی است. زیرا، در کشورهای دارای اقتصاد دولتی خود دولت فروشنده و تاجر بزرگ محسوب می‌شود (جین، ۱۳۸۶، ص ۳۴۲).

نظریه‌های مربوط به محیط اقتصادی: استفاده ناخواسته قدرت‌های بزرگ از شرکت‌ها و صاحبان سرمایه، در واقع نیاز قدرت‌های بزرگ به پول، در محیط اقتصادی بزرگ تامین می‌شود. از این رو به‌خاطر ارتباط فعالان اقتصادی با حاکمیت با جرائم آنها با اغماض برخورد می‌شود. محیط اقتصادی محیطی شفاف نیست در نتیجه فعالیت آنها تحریک برانگیز نیست و تقبیح عمومی را به‌دنبال ندارد. رسیدگی به این جرائم به اهل فن واگذار می‌شود که این امر سبب تضعیف نمود بیرونی کنترل این جرائم می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ص ۴۷).

نقش نظام اقتصادی در وقوع جرائم اقتصادی نیز بدین‌گونه است که در کشورهای سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی محترم و اعمال علیه آن جرم محسوب می‌شود. در این کشورها با مجرمان یقه‌سفید روبرو هستیم. اما در کشورهای سوسیالیستی مالکیت عمومی و اشتراکی در چنین نظام‌هایی سبب می‌شود که شهروندان درکی از مفهوم دارا شدن نداشته باشند. بنابراین، جرم یقه‌سفیدی موضوعیت ندارد و آنچه هست فساد دولتی است. در کشورهای سرمایه‌داری در دوران رشد و شکوفایی اقتصادی امکان افزایش بزهکاری حرفه‌ای بالا است. برخلاف دوران رکود اقتصادی که بزهکاری حرفه‌ای کاهش می‌یابد و جرائمی که ریشه آنها غالباً اقتصادی است. چون سرقت، خیانت در امانت و کلاهبرداری و مانند آن، رو به افزایش است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ص ۴۷).

نظریه‌های حقوقی: حقوق کیفری اقتصادی ایران از شفافیت لازم برخوردار نیست. واژگان مبهم و کلی در مهم‌ترین متن قانونی جرائم اقتصادی (قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹) نظیر اخلال، عمده، کلان و فراوان بدون تعریف و تعیین قلمرو آن باعث تفسیرهای گوناگون و سردرگمی قضات، شکات، متهمان و وکلای آنها شده و در نهایت موفقیت لازم در مبارزه با جرائم اقتصادی را به‌دنبال ندارد (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷، ص ۳).

نظریه‌های چند عاملی: این نظریه جرم را نتیجه تعامل عوامل مختلف می‌داند.

نظریه فونتان: وی انگیزه را دلیل ارتکاب جرم توسط مجرمان اقتصادی معرفی می‌کند و در

انگیزه سه عامل را موثر می‌داند:

- عوامل روانی و فردی مثل ناپختگی اقتصادی یا گذشته ناموفق و مانند آن؛
- عوامل اجتماعی: قضاوت دیگران، محیط پیرامون که بخشی از شخصیت افراد را تشکیل می‌دهد و فرد تلاش می‌کند از هر طریق ممکن ثروت‌اندوزی کند؛
- عوامل مادی: جنون کسب پول و مادیات چنان است که عقلانیت آنها را متوقف می‌کند در نتیجه دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

نظریه کوراکیس: وی جرائم اقتصادی را ناشی از سه عامل تاریخی، محیطی و فردی می‌داند. او عامل تاریخی را در سه فرایند افزایش جمعیت، توسعه شهرها و توسعه صنعت و فناوری که مسئولیت اشخاص حقوقی را نشانه می‌رود بیان می‌دارد. برای عامل محیطی دو رکن جامعه در مفهوم کلان که افراد را به مصرف هرچه بیشتر ترغیب می‌کند و فناوری نوین که به ابزاری برای جرائم اقتصادی تبدیل شده است بیان می‌دارد. در واقع این دو عامل ارزش‌های جدیدی ایجاد کرده‌اند. عامل سوم شخصیت بزهکار یعنی زرنگی و هوش مرتکبان این جرائم است که او را به سمت سوء استفاده به موقع از سادگی بزه‌دیدگان سوق می‌دهد.

نظریه بائر: این نظریه بر واکنش اجتماعی نسبت به جرائم تکیه دارد و ضمانت‌اجراهای جرائم اقتصادی را بررسی می‌کند. این عوامل عبارت‌اند از: ضعف مبارزه با جرم اقتصادی یا سبک بودن ضمانت‌اجراهای این جرائم، ارتباط محافل سیاسی با محافل قدرت و سیاست، موقعیت اجتماعی بزهکاران که می‌تواند جرم‌زا باشد، فناوری که باعث سهولت ارتکاب جرائم توسط افراد صاحب فن شده است و جهانی شدن که از دو بعد قابل بررسی است. جهانی شدن اقتصاد در قالب شرکت‌های چندملیتی و دوم جهانی شدن معنوی که از طریق اسناد بین‌المللی صورت می‌پذیرد (تانزی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۹).

روش

این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی سیاست جنایی ایران در زمینه پیشگیری از جرائم بانکی

انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است و داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد.

یافته‌ها

با وجود قوانین پراکنده در پیشگیری غیرکیفری، سیاست جنایی ایران تاکنون به‌خصوص در جرائم مالی علیه دولت با کاستی‌های فراوانی روبرو است، ایجاد نظارت در حین خرج از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی با اعزام مامورانی به نام ذیحساب که عمده وظایف آنها مطابق ماده ۳۱ و ۵۱ قانون محاسبات عمومی، نظارت بر امور مالی و محاسباتی دستگاه‌های اجرایی و تطبیق پرداخت با قوانین و مقررات است، می‌توان به‌عنوان یک عامل پیشگیری غیرکیفری مهم تلقی شود. ولی در عمل ذیحساب به‌لحاظ نوع تخصص خود در امور مالی از دانش حقوقی کافی برای تبیین جرائم مالی علیه دولت برخوردار نیستند.

۱۵۳

بخش زیادی از جرم تصرف غیرقانونی مانند تأمین اعتبار از غیر محل معین، توسط این دسته از کارمندان صورت می‌گیرد. با توجه به نوع رفتارهای مجرمانه، استفاده غیرمجاز از اموال دولتی و اهمال و تفریط منجر به تضییع اموال، می‌تواند شامل تمام کارکنان و کارمندان دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی باشد ولی مرتکبان رفتار مجرمانه مصرف اعتبار در غیر مورد معین، مصرف اعتبار در موردی که اعتبار برای آن در نظر گرفته نشده، هزینه کرد زائد بر اعتبار مصوب با ملحوظ داشتن تعاریف مراحل هزینه (مواد ۱۷ تا ۲۲ قانون محاسبات عمومی) و با صراحت ماده ۵۲ و ۵۳ قانون محاسبات عمومی؛ فقط شامل بالاترین مقام دستگاه اجرایی، ذیحساب و اشخاصی است که بدون واسطه، مسئولیت هزینه به آنها تفویض اختیار شده است. با شناسایی قشر اصلی افراد در معرض خطر، می‌توان با استفاده از پیشگیری غیرکیفری از سطح پیشگیری ثانویه که هدف آن وضع شرایط خطر و در اولویت قرار دادن آنهاست استفاده کرد.

پیشگیری نیز مقید به رعایت مبانی نظری، اصول علمی و معیارهای حقوقی بوده و هدف

پیشگیری نمی‌تواند کاربرد هر وسیله، فن یا اقدام را توجیه کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، ۵۱۳). بنابراین در پیشگیری غیرکیفری جرائم علیه اموال دولتی نیز علاوه بر مدنظر قراردادن کرامت انسانی کارکنان دولت، باید حقوق اولیه استخدامی وی تأمین شود. با بررسی تجربی و عینی بسیاری از موارد تصرف غیرقانونی و مشکل تبیین عناصر متشکله این جرم؛ ناآگاهی کامل از قوانین و مقررات انجام امور مالی، محاسباتی و مدیریتی در دستگاه‌های اجرایی به‌طور چشمگیری قابل لمس است، به‌طوری که بیشتر مدیران، کارمندان و ذیحسابان دستگاه‌های اجرایی به‌دلیل فقدان تخصص؛ آگاهی کاملی از قوانین و مقررات حاکم بر دستگاه‌های اجرایی مربوط ندارند که همین عامل باعث بروز جرائم مالی از جمله تصرف غیرقانونی در اموال و وجوه دولتی می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد: «اجرای مقررات و مجموعه قوانین موجود به خودی خود برای ایجاد و تقویت رفتار اخلاقی در بخش دولتی کافی نیست. رهبری، راهنمایی شفاف و برنامه‌های آگاه‌سازی می‌توانند مکمل مناسبی برای اجرای مقررات موجود باشد» (قاسمی و گلزاده، ۱۳۸۹، ص ۱۳). همان‌گونه که در اقدامات پیشگیرانه جرائم، مطمئن‌ترین وسیله تکمیل موازین آموزش و پرورش بیان شده است (بکاریا، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶). بنابراین آموزش موضوعات و جرائم مالی، به‌خصوص آموزش مشاغل در معرض خطر آبی در پیشگیری از وقوع جرم به‌عنوان یک برنامه میان‌مدت می‌تواند تأثیر مناسبی در کاهش این‌گونه بزه‌ها داشته باشد.

پیشگیری وضعی از جرم پولشویی در نظام بانکی

پولشویان همواره تلاش دارند به‌گونه‌ای رفتار کنند که معاملات غیرمشروع آنها از عملیات مشروع قابلیت تمیز نداشته باشد. بنابراین بانک‌ها در مواجهه با پولشویان همواره با خطرهای پیچیده‌ای مواجه هستند. از این‌رو باید برنامه مبارزه با پولشویی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با رویکرد خطر محور به‌نوعی تنظیم شود که امکان تفکیک حداکثری معاملات غیرقانونی با عملیات قانونی را فراهم کنند. در این راستا شناسایی مشتریان پرخطر بسیار مهم است، برخی مشتریانی که به‌طور سنتی به‌عنوان مشتری‌های پرخطر

شناسایی می‌شوند عبارت‌اند از:

- سازمان‌های مالی غیربانکی و سازمان‌های غیر دولتی مانند خیریه‌ها؛
- شرکت‌های برون مرزی؛
- شرکت‌های سهامی که سهام آن بی‌نام است؛
- فعالیت‌های اقتصادی که خدمات را به صورت نقدی ارائه می‌دهند (رستوران‌ها، خرده‌فروش و پارکینگ‌های اتومبیل و مانند آن)؛
- شناخت مناطق پرخطر نیز برای اجرای یک برنامه مؤثر ضد پولشویی ضروری است. به طور کلی مناطق نزدیک مرزهای خارجی و یا مناطقی که فعالیت‌های مجرمانه مانند قاچاق در آنجا بیشتر است، از جمله مناطق پرخطر شناخته می‌شود.

بررسی سقف مقرر: بانک‌ها به استناد ماده ۲ «دستورالعمل نحوه گزارش واریز نقدی وجوه بیش از سقف مقرر» کلیه شعب باید در صورت واریز وجوه نقدی بیش از سقف مقرر (در حال حاضر ۱۵۰۰۰۰۰۰۰) توسط مشتری، گزارش واریز وجوه نقد، طی فرمی به طور دقیق و کامل تکمیل کرده، وجوه را از مشتری پذیرفته و گزارش مربوطه را به واحد مبارزه با پولشویی ارسال کنند. بانک‌ها با طراحی زیرسیستم نرم‌افزاری این امکان را به وجود آورده‌اند که کلیه واریزهای نقدی با تکمیل فرم مکانیزه اطلاعات مشتری همراه باشد و در مواردی که این مبلغ از سقف مقرر آیین‌نامه بالاتر رود، به صورت سیستمی تاییدیه دریافت کند و در نهایت این اطلاعات به بانک مرکزی ارسال شود. در زمینه پرداخت وجه نقد بیشتر از سقف مقرر نیز باید تا حد امکان بانک‌ها از پرداخت این وجه خودداری کرده و در غیر این صورت اطلاعات گیرنده در سیستم ثبت می‌شود و به واحد مبارزه با پولشویی برای بررسی‌های آتی ارسال می‌شود.

کارت هدیه: مورد دیگری که در بانک‌ها به آن پرداخته شده پرداخت کارت‌های هدیه به ارباب رجوع است که در سال‌های قبل کنترل مشخصی بر روی آن در بانک‌ها وجود نداشت و به عبارتی یکی از ابزارهای پولشویی بود چون قابلیت پیگیری را در مراجع صالح

میسر نمی‌کرد. در سال ۱۳۹۴ این محدودیت در نظر گرفته شد که فقط شعبه مجوز صدور کارت هدیه تا مبلغ معین را برای مشتریان خود دارد و به‌صورت گذری نمی‌تواند برای سایر اشخاص کارت هدیه صادر کند. با این اقدام، درخواست‌های بی‌رویه کارت هدیه برای انجام عمل پولشویی محدود شد. همچنین در هنگام صدور کارت هدیه باید مشخصات سجلی مشتری همراه با شماره حساب وی در شعبه یا بانک مربوطه ثبت شود. صدور کارت هدیه از دستگاه‌های خودپرداز نیز چون از طریق کارت عضو شتاب مشتری صورت می‌گیرد قابلیت پیگیری را دارد.

اوراق مشارکت: یکی از ابزارهای پولشویی در بانک‌ها فروش اوراق مشارکت است که تا قبل از سال ۱۳۹۴، اوراق بدون ثبت مشخصات گیرنده و همچنین با قابلیت انتقال به غیر واگذار می‌شد. برای جلوگیری از پولشویی و کنترل نقدینگی بانک‌ها، سامانه «سیم» طراحی شد تا مشخصات گیرنده اوراق به‌صورت برخط در آن وارد شود و برگ اوراقی به مشتری مانند قبل داده نمی‌شود و از طرفی این اوراق قابلیت انتقال به غیر را ندارند؛ پس در مناطقی با خطر بالا مانند مناطق مرزی، با توجه به شرایط خاص، این راهکارهای جدید و محدودکننده، قابلیت پیشگیری بیشتری در سال‌های اخیر به‌وجود آمده و قابلیت شناسایی صاحب اوراق در بانک‌ها فراهم شده است.

رابط مبارزه با پولشویی: در حال حاضر هر کدام از شعب بانک‌ها دارای یک رابط مبارزه با پولشویی هستند که پیگیری کلیه قوانین و دستورالعمل‌ها و یا راهنمایی کارکنان و ارسال گزارشات به واحدهای اطلاعات مالی را به‌عهده دارند. دوره‌های آموزشی مرتبط با پولشویی برای افراد یادشده برگزار می‌شود تا با بروز شدن اطلاعات آنها و نحوه استفاده از نرم‌افزارهای جدید، از جرائم بانکی پیشگیری شود.

محدود کردن سقف انتقال وجه روزانه از طریق خودپردازها: کلیه بانک‌ها برای پیروی از قوانین پولشویی، پیشگیری و پیاده‌سازی این قوانین، هم‌راستا با دستورالعمل‌های بانک مرکزی، سقف پرداخت خودپردازها و کارت‌خوان‌های درون شعب، انتقال کارت به کارت

در طی روز از طریق بانکداری اینترنتی و کارت خوان شعب را محدود کرده‌اند. به عبارتی با این کار تا حدود زیادی از جابجایی بی‌رویه پول جلوگیری می‌شود و کارت الکترونیکی با محدودیت ایجاد شده و کنترل‌های انجام شده کمتر به‌عنوان ابزاری برای پولشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد هرچند که با قابلیت داشتن تعداد نامحدود کارت برای یک شخص حقیقی، پیگیری این مسئله همچنان دشوار خواهد بود.

ضرورت استعلام و احراز اسناد و مدارک اشخاص حقیقی و حقوقی: یکی دیگر از اقدامات انجام شده در چارچوب قوانین موجود در کشور برای مقابله با پولشویی در نظام بانکی کشور، شناسایی هویت مشتری به‌صورت دقیق از طریق استعلام از سازمان ثبت احوال است. این کار در کلیه شعب بانک‌ها در حال انجام است و بدون این استعلام، حسابی افتتاح نمی‌شود.

ایرادات وارد به سیاست جنایی اجرایی در زمینه مبارزه با پولشویی: گفتنی است در قانون مبارزه با پولشویی مصوب سال ۱۳۸۶ ایرادات اساسی وارد است که قانون‌گذار سعی کرده است با ارائه دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های پیرو آن این ایرادات را به حداقل برساند ولی ایرادهای زیر همچنان وجود دارد:

- تناسب نداشتن جرم با مجازات (مجازات کم در برابر جرمی بزرگ)؛
- پیش‌بینی نشدن راهکار در خصوص جرائم سازمان‌یافته؛
- پیش‌بینی نکردن راهکار کیفیات مخففه و معاف‌کننده؛
- پیش‌بینی نکردن ضمانت‌اجرای کافی برای اجرای صحیح و کامل قانون؛
- پیش‌بینی نکردن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی.

نواقص اجرایی: بحثی که مطرح است این‌که باوجود تمام راهکارها و قوانین، آیا سیاست جنایی اجرایی ایران در زمینه پولشویی توانسته است به‌صورت موفق عمل کند یا نه؟ قابل مشاهده است که بانک‌ها و موسسات مالی نهایت سعی خود در مبارزه با این جرم بکار بسته‌اند و از راهکارهای داخلی خود استفاده می‌کنند ولی همچنان بانک‌های ایران

نتوانسته‌اند مطابق شرایط بین‌المللی در رابطه با این جرم رفتار کنند. روزانه در رویه‌های اجرایی در بانک‌ها با پرونده‌ها و موضوع‌های مشکوک به پولشویی روبرو هستیم، به‌خصوص در نواحی مرزی کشور با سایر کشورهای همسایه که دارای مرزهای آبی و خاکی طولانی هستیم.

آموزش: باید به این مسئله توجه کرد که تمام راهکارها، دستورالعمل‌ها و سیاست‌های اجرایی در کشور و در نهایت در بانک‌ها، در پشت باجه به دست نیروی انسانی قابلیت اجرا پیدا می‌کند. اگر نیروی انسانی بکار گرفته شده آموزش لازم را ندیده باشد و یا به این جرم و ابعاد آن واقف نباشد، عواقب جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد. آموزش نیروی انسانی یکی از ایرادهای وارده به نظام اجرایی بانک‌های داخلی است. کارکنان به‌طور معمول به‌دلیل شلوغی و کار زیاد و کمبود منابع انسانی، از آموزش کافی برخوردار نیستند. از طرفی هوش و ذکاوت کارمند پشت باجه نیز یکی دیگر از عوامل موثر در شناخت این‌گونه مجرمان و یا حساب‌های مشکوک است. در این زمینه ماده ۳۵ قانون مبارزه با پولشویی مقرر می‌دارد: «تمام اشخاص مسئول موظفند با همکاری دبیرخانه ترتیبات لازم جهت برقراری دوره‌های آموزشی بدو خدمت و ضمن خدمات کارکنان زیرمجموعه خود را فراهم کنند». این دوره‌ها باید برای آشنایی با قانون، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط، نحوه عملکرد پولشویان و به‌ویژه آخرین شگردهای پولشویان در استفاده از خدمات اشخاص مشمول و چگونگی محو منشا مجرمانه وجوه باشد.

به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری ناشی از پولشویی از طریق فناوری‌های جدید پرداخت از طریق پول الکترونیکی، اقدامات زیر پیشنهاد شده است:

- محدود کردن عملیات و ظرفیت کارت‌های هوشمند؛
- متصل کردن فناوری‌های پرداخت به موسسات مالی و حساب‌های بانکی؛
- الزام به داشتن رویه‌های استاندارد ثبت اطلاعات و نگهداری رکوردها برای این سامانه‌ها به‌گونه‌ای که بتوانند رکوردهای مربوط را به‌وسیله اختیارات قاضی

بررسی، مستندسازی و توقیف کنند و ایجاد استانداردهای بین‌المللی برای این مقیاس‌ها و معیارها، ایجاد رویه‌های جدید که توان مالی موسسات را برای شناخت کامل مشتریان خود تسهیل کنند؛

- تلاش برای همسان‌سازی استانداردها؛
- توسعه ظرفیت‌های فناوری اطلاعات جدید که هم به کشف تراکنش‌های پیوسته مشکوک و هم به تأیید مشتری کمک می‌کند؛
- محدود کردن انواع خدمات مجاز پیوسته و حجم این تراکنش‌ها؛
- محدود کردن تراکنش‌های پیوسته فقط به حساب‌هایی که به‌روش سنتی و حضوری افتتاح شده باشند؛
- جلوگیری از ارائه خدمات الکترونیکی توسط مؤسسات مالی غیرمجاز.

تدابیر ماده ۲، ۶ و مانند آن در آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی ایران به‌تنهایی برای مبارزه با پولشویی کافی نیست و این انتظار از قانونگذار می‌رود تا با استفاده از تجربه‌های کشورهای دیگر و به‌کار بستن راهکارهای گروه کار اقدام مالی برای مبارزه با پولشویی و سایر اسناد موجود در این زمینه، بیش از پیش از ارتکاب پولشویی الکترونیکی، پیشگیری کند.

زیرساخت‌ها و نرم‌افزارها: یکی دیگر از مواردی که می‌توان به‌صورت موردی به آن اشاره کرد وجود نرم‌افزارها و ساختارهای دارای نقص در بانک‌ها و موسسات است، به‌طوری که کاربر مربوطه با زدن یک دکمه می‌تواند مبلغ واریزی بیش از سقف مقرر را تأیید کند، منظور این است که سامانه‌ها طوری طراحی شوند که به‌هیچ‌عنوان اجازه چنین دریافت و پرداختی که مخالف با آیین‌نامه اجرایی است را ندهند، ضمن این که حساب‌های قدیمی در سطح بانک‌ها هنوز به قوت خود باقی هستند و در افتتاح آنها مقررات یادشده رعایت نشده است.

ضعف اطلاع‌رسانی: مشکل اصلی در مبارزه با پولشویی ضعف اطلاع‌رسانی است و فعالیت‌های خوبی که در این حوزه انجام شده است، به‌نحو مطلوب در داخل کشور و عرصه

بین‌الملل منعکس نشده است. برخلاف سایر حوزه‌ها باید در عرصه پولشویی، برنامه و فعالیت‌ها را حتی اگر کوچک باشد به بهترین شکل ممکن و با استفاده از وسایل ارتباط جمعی اطلاع‌رسانی کرد. برای انتقال موضوع پولشویی و اهمیت آن به بدنه بانک، باید آموزش‌های موثر و کاربردی در دستور کار قرار گیرد. پولشویی موضوعی فنی و تخصصی است و آموزش‌ها نیز باید به‌گونه‌ای باشد که مشکل ایجاد نکند. برای آموزش نیز می‌توان علاوه بر استفاده از دانش و تخصص مدرسان بانک، از متخصصان و صاحب‌نظران خارج از بانک هم بهره برد.

شیوه‌های نوین مقابله با جرائم بانکی

تجمیع و یکپارچه‌سازی اطلاعات و به اشتراک گذاری آنها؛ در حال حاضر بسیاری از سازمان‌های دولتی و خصوصی، اطلاعات مفیدی درباره قربانیان جرائم اقتصادی و مجرمان آن دارند و حتی راهکارهایی هم برای مقابله با آن در نظر گرفته و به کار می‌برند؛ ولی افراد معدودی از این اطلاعات و شیوه و شگردهای موجود آگاه هستند و علت اصلی آن، پراکندگی اطلاعات و یا به‌نوعی خصوصی بودن آنهاست. در این راستا لازم است ابتدا اطلاعات را تجمیع و سپس آنها را در قالب یک بانک اطلاعاتی جامع به اشتراک گذاشت. در این میان، موانعی همچون فاصله جغرافیایی، ناآگاهی از مفاد قانونی، سیستم حقوقی و قضایی، تفاوت‌های زبانی، فناوری‌های نوین و مشکلات ناشی از مقررات اداری و وجود دارند که مانع از تجمیع اطلاعات و تشکیل یک بانک اطلاعاتی یکپارچه و جامع می‌شوند؛ ولی باید در نظر داشت که از طریق فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، می‌توان از همه این موانع عبور کرد. تهیه و ایجاد یک بانک اطلاعاتی جامع و یکپارچه از سوی پلیس با همکاری نهادها و سازمان‌های دولتی از جمله بانک‌ها، املاک، بیمه‌ها، دستگاه قضا و مانند آن می‌تواند با این هدف ایجاد شود که با جهان به اشتراک گذارده شده و یا حداقل قابلیت ارتباط با بانک‌های اطلاعاتی جهان‌شمول اعم از اینترپل و یا اتحادیه اروپا را داشته باشد. تشویق قربانیان به ارائه گزارش و تشکیل پرونده، با انجام اقدامات تسهیلی و

اطلاع‌رسانی: در حال حاضر وضعیت به‌گونه‌ای است که بیشتر قربانیان، قربانی شدن خود در جرائم اقتصادی را به دلایل مختلف گزارش نمی‌کنند. برخی از آنها مراحل دشوار رسیدگی و فرایند اداری و برخی دیگر، مشکلات قضایی را بیان می‌کنند. نکته مهم، پرهیز از گزارش توسط اشخاص حقوقی است که اعلام گزارش را ضعف مدیریت یا عملکرد سازمان متبوع خود می‌دانند و یا واژه افشای همکاری برخی از عوامل خود را دارند. این موضوعات، باعث پنهان ماندن بسیاری از جرائم اقتصادی و گسترش آنها می‌شود. وضعیتی که شاید پلیس، در آن کمترین نقشی نداشته باشد. بررسی‌ها نشان داده که در بسیاری از مواقع، پلیس نیز حساسیت لازم را از خود نشان نداده است؛ چون هنوز اقدامات پلیس به‌طور کامل به‌صورت وابسته و پیوسته و شبکه‌ای انجام نمی‌شود.

اصلاح قوانین موجود (قضایی و انتظامی): قوانین بسیاری درخصوص جرائم اقتصادی و مجازات مجرمان در کشور وجود دارد مانند قانون مبارزه با پولشویی، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۲/۱۰/۳ و مانند آنها ولی به دلیل ناآشنایی مجریان، به‌درستی اجرا نمی‌شود و یا به دلیل نبود مقبولیت در جامعه و عرف، بسیاری از قضات از صدور احکام حقیقی و جدی خودداری می‌کنند. اگرچه برخی از قوانین نیاز به بازنگری داشته و باید به‌صورت بین‌المللی و هماهنگ با دیگر کشورها باشد تا جرائم اقتصادی بین‌المللی را نیز شامل شده و برای آنها نیز کاربرد داشته باشد.

آموزش کارکنان و بروزرسانی منابع، همگام با آموزش جامعه: انجام هر فعالیت مجرمانه نیازمند شرایط و محیط مناسبی برای تحقق آن است؛ بنابراین شناسایی این شرایط برای جلوگیری از وقوع جرم اهمیت زیادی دارد. بررسی ماهیت جرائم اقتصادی و شواهد موجود نشان می‌دهد که مجرمان در محیطی این جرم را مرتکب خواهند شد که دارای شرایط زیر باشد:

- کریدور فعالیت‌ها، مجرمانه و غیرقانونی باشد؛

- بخش‌های غیررسمی اقتصادی، فعال باشند؛

- بخش‌های رسمی به‌خصوص بازار مالی، از کارآیی لازم برخوردار نباشد؛
- قوانین مقابله‌ای با جرائم اقتصادی، چندان فعال نباشد؛
- خطر انجام جرم اقتصادی قابل توجه نباشد (باقرزاده، ۱۳۹۴، ص ۳۲).

بر این اساس ارائه آموزش و افزایش منابع سازمان‌های اجرایی برای اشراف بر چنین محیط‌هایی، کمک خواهد کرد تا پژوهشگران، دست‌اندرکاران و پلیس، قادر به شناسایی ریشه‌ای و رسیدگی قاطعانه به جرائم اقتصادی باشند. در این صورت می‌توان اطمینان حاصل کرد که افراد جامعه اعتماد بیشتری به توانایی پلیس و دستگاه قضایی در مقابله با جرائم اقتصادی دارند. بررسی‌ها حاکی است که در حال حاضر بسیاری از موضوعاتی که گزارش می‌شوند و یا از طریق سازمان‌های دولتی یا خصوصی مطرح می‌شوند، به‌علت پیچیده بودن شیوه و شگردها و یا ناآگاهی مجریان از فرآیند انجام و شکل‌گیری جرم، خیلی جدی گرفته نمی‌شوند و یا در تحقیق و تفحص عوامل اجرایی، با توجه به ادعاهای بسیار جدی مجرمان و یا سازمان‌های همکار در جرائم سازمان‌یافته، به‌نوعی دچار فریب‌خوردگی می‌شوند و قادر به شناسایی و کشف جرم و یا تقلب صورت گرفته نیستند؛ حتی اگر در این مرحله هم مشکلی نداشته باشند، در مرحله تحلیل و تجمیع موضوع برای رسیدن به یک نتیجه معقول، دچار سردرگمی می‌شوند (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ص ۶۸).

اعلان نتایج در سطح عموم: وقتی اطمینان حاصل شد که پلیس و دستگاه قضایی به بهترین وجه وظایف خود را انجام داده و به‌طور مؤثر و گسترده‌ای کنترل جرائم اقتصادی را به‌دست گرفته‌اند؛ باید به اثرات بازدارندگی آن اندیشید. از مؤثرترین ابزار دستیابی به بازدارندگی در جرائم اقتصادی، مصادره دارایی‌ها و اموال حاصل از جرم مجرمان است که می‌توان با گزارش و کسب مجوز از مقامات، آن‌را اجرایی کرد و سپس، اعلان نتیجه اقدامات به عموم جامعه است (طالبیان، ۱۳۹۸، صص ۶۰-۶۴).

پیشگیری از «فساد» در نظام بانکی: لازم است نظام بانکی کشور به‌طور کامل شفاف‌سازی شود و با هوشمندکردن کامل فعالیت بانک‌ها، دادوستدها، سپرده‌گذاری‌ها و

تأمین منابع مالی از طریق ارتباطات الکترونیک انجام گیرد و اطلاع‌رسانی شود؛ به گونه‌ای که معاملات بانکی بدون هیچ نوع ابهام و جهالتی نسبت به حقوق بانک و مشتریان انجام شود (نظرپور، یوسفی شیخ رباط و ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۸). همچنین نظارت دقیق و مستمر بانک مرکزی از طریق دسترسی الکترونیک ناظران آن به دادوستد بانک‌ها و کسب اطلاع منظم از طریق سامانه جامع نظام بانکی مستقر در بانک مرکزی صورت گیرد و هر ذی نفع واحد در نظام بانکی از یک حساب قابل کنترل برخوردار باشد و جلوی ایجاد حساب‌های متعدد و بده‌بستان بین آنها و صورت‌سازی مالی بیشتر گرفته شود (مصباحی‌مقدم، ۱۳۹۷، ص ۱۴۲).

بحث و نتیجه‌گیری

بانک‌ها به‌عنوان ستون‌های اقتصادی کشور نقش اساسی در توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌های معاملاتی ارزی و حتی ریالی در داخل کشور دارند. بانک‌ها در بروز بخش عمده و وسیعی از جرائم اقتصادی نقش مستقیم دارند. در واقع بانک‌ها به‌عنوان بستر وقوع جرائم اقتصادی گاهی در نقش معاون یا مباشر جرم ظاهر می‌شوند و با نیت پلیدی همچون سودجویی و مال‌اندوزی به هر طریق ممکن مبادرت به انجام افعال مجرمانه می‌کنند. برای نمونه در جرم تحصیل مال از طریق نامشروع از حیث تفریغ حساب و ربا، نقشی مستقیم دارند و منفعت ناشی از این جرائم به‌طور مستقیم عاید شخصیت حقوقی بانک می‌شود بنابراین لزوم کیفر بانک در کاهش این جرائم بسیار بسزا است. به‌خصوص آنکه در ماده ۲۰ و ۱۴۳ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌صراحت مسئولیت کیفری این شخصیت حقوقی متخلف، جرم‌انگاری شده است.

بعد از پیدایش تعاونی‌های اعتباری و مؤسسات مالی و اعتباری بدون مجوز و متعاقب آن تبدیل وضعیت تعاونی‌های اعتباری به مؤسسات مالی و اعتباری و سپس بانک و نیاتی که توسط افراد سودجو و رانت‌خوار که تا قبل از ورود به عرصه بانکداری با سوء استفاده از

خلاءهای قانونی و رانت‌خواری به نیت مال‌اندوزی از هر طریق اقدام کرده بودند و حال عرصه بانکداری در رده‌های تعاونی اعتباری و مؤسسات مالی و اعتباری را خالی از وجود هرگونه قانون و آیین‌نامه مدون یا نظارت صحیح دیدند به صورت مستقیم وارد جریان جرائم اقتصادی شدند و بی‌محابا دست به جنایات اقتصادی زدند. در واقع نظارت بازدارنده‌ای برای جرم‌زدایی از بانک‌ها در اقتصاد وجود ندارد، به همین دلیل بانک‌ها به صورت مستقیم مبادرت به انجام رفتارهای مجرمانه کرده‌اند.

یکی از علل محوریت بانک‌ها تجمع فرصت‌های مالی و سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها است. در عین حال فرایند پیچیده اداری لازم برای تخصیص تسهیلات و سخت‌گیری‌های عجیب و غریب هیچ ضمانتی نیز به نفع بانک ایجاد نمی‌کند. یکی دیگر از دلایل محوریت بانک در وقوع جرائم در اختیار داشتن امتیازات خاص در دست بانک‌ها در دوران سخت تحریم‌های اقتصادی است. شفاف نبودن اطلاعات لازم مرتبط با این امتیازات نیز یکی از دلایل افزایش ارتکاب چنین جرمی می‌شود. به هر حال توزیع ناعادلانه این امتیازات محدود، چهره بازار رقابت را به هم می‌ریزد و موجب ایجاد انحصار به خصوص در بازار واردات و صادرات می‌شود. به دلیل نوع رفتار و عملکرد بانکی، چهره تولیدی در بازار ایران به سمت خدماتی تغییر پیدا کرده است. از عاملان اصلی ایجاد سرمایه‌های تنبل در بازار، همین سودهای بالای بانکی به نسبت درآمد ناشی از تولید است که گذاشتن پول در بانک را دارای توجیه بالاتری نسبت به ایجاد تولید می‌کند.

مبارزه با جرائم اقتصادی در بانک‌ها به جای شعار و فرافکنی‌های سیاسی، مستلزم عزم ملی، خواست همگانی، جدیت دولت و مراجع نظارتی، انتظامی و قضایی و در نتیجه ایجاد ترتیبات نهادی مناسب برای مبارزه با جرائم اقتصادی و حمایت از آنها در یک چارچوب قانونی مناسب است. از آنجا که بروز جرائم اقتصادی در بانک‌ها نتیجه‌ای از نارسایی‌های نهادی، اجرایی و نظارتی در فرآیند است، هرگونه تلاش برای کاهش جرائم اقتصادی در بانک‌ها نیز باید به تعدیل نارسایی‌ها و در نتیجه ایجاد ترتیبات نهادی و قانونی مناسب منجر شود، در غیر

این صورت دستاوردی جز اتلاف زمان و منابع کمیاب اقتصادی در پی نخواهد داشت. نظر به ماهیت فعالیت بانک که جنبه اقتصادی دارد طبیعت جرائم ارتكابی در ارتباط با بانک نیز نوعاً ماهیت اقتصادی دارد و انگیزه‌های مالی در ارتكاب این جرائم نقش اساسی ایفاء می‌کند. با این حال، هدف قانونگذار در جرم‌انگاری اعمالی که جنبه اقتصادی دارد نه تنها بازداشتن افراد از ارتكاب جرائم یادشده از بعد مالی از طریق بی‌فایده ساختن ارتكاب آنها، بلکه بعد اجتماعی مربوط به حفظ اعتبار نهاد اقتصادی مهمی چون بانک نیز هست. بانک امروزه به‌عنوان یکی از مهمترین اهرم‌های اقتصادی جامعه به‌طور عام و دولت به‌طور خاص تلقی می‌شود و با وجود تلاش‌هایی که برای غیردولتی کردن اقتصاد در چند سال اخیر صورت گرفته، همچنان بانک در جامعه ایرانی همانند همه جوامع دیگر صبغه غالب دولتی خود را حفظ کرده است و در عمل چنین به نظر می‌رسد که دولت از بانک به‌عنوان اهرم کنترلی اقتصاد جامعه استفاده می‌کند. در چنین فضایی بانک بدون حمایت حقوق کیفری شاید نتواند به اهداف خود نایل شود. بانکی که نتواند جایگاه اقتصادی خود را در میان مشتریان حفظ کند با افول اقتصادی مواجه خواهد شد و نقش خود در عرصه حیات اقتصادی را از دست خواهد داد. قانونگذار نیز با درک اهمیت قضیه به ضرورت حمایت از بانک واقف بوده و ضمن آنکه ضمانت‌اجراهای مدنی همیشه وجود دارند، ضمانت‌اجراهای کیفری را نیز در حمایت از بانک و فعالیت‌های آن مدنظر داشته است. در چنین موقعیتی حمایت از بانک را در واقع باید متضمن حمایت از سرمایه‌های جامعه تلقی کرد. سرمایه‌هایی که در صورت احساس خطر صاحبان آن، به‌جای روانه‌شدن به فرآیند صحیح اقتصادی یا به‌جای آنکه در بخش مولد سرمایه‌گذاری شوند، ممکن است راه دلالی یا رکود را در پیش بگیرند. چنین وضعی باعث افول اقتصادی جامعه خواهد شد که سرانجام آن می‌تواند افزایش فقر، بیکاری، تورم و عقب‌ماندگی شدید اقتصادی باشد. هرچند امروزه نیز با وجود حمایت‌های کیفری، نقش بانک‌ها در عرصه اقتصاد کشور چندان رضایت‌بخش نیست و بانک‌ها در عمل به صندوق ذخیره تبدیل شده‌اند.

باتوجه به امکانات بانکی، وقوع جرائم بانکی و فساد مالی در این نوع سیستم بسیار محتمل به نظر می‌رسد. برای شکل‌گیری فساد مالی، کارمندان بانک عوامل بسیار مؤثری هستند که از آنها می‌توان به عوامل سازمانی و اداری و مانند مقررات غیرواقع‌بینانه یا غیرضرور، تعاریف و استانداردهای عملیاتی مبهم در قوانین و مقررات، رویه‌های اداری پیچیده و بغرنج، حقوق و دستمزد پایین کارکنان دولتی، عوامل فرهنگی و اجتماعی مانند زدوبندهای سیاسی، مقامات دولتی و تجار و عوامل شناختی و گرایشی مانند سطح پایین اخلاقیات در ادارات دولتی و رواج خودگرایی، خویشاوندمداری و منطقه‌گرایی اشاره کرد. همچنین از عوامل مؤثر بر جرائم بانکی و اداری به‌طور اخص می‌توان به این عوامل اشاره کرد:

- اجرانشدن صحیح مقررات و ضوابط بازدارنده و تأمینتی در سازمان؛

- وجود بسترهای مناسب برای ارتکاب جرائم و مفاسد اداری؛

- نبود آموزش و برنامه‌های آگاه‌سازی در سازمان؛

- انتصاب مدیران نالایق در مشاغل کلیدی سازمان؛

- ضعف کارکنان از جهت ایمان مذهبی و باورهای دینی؛

- درآمد پایین کارکنان و کفایت نکردن آن برای رفع نیازمندی‌های زندگی.

پیشنهادها

به‌طور مشروح راهکارهای مختلف درخصوص پیشگیری از جرائم بانکی در متن مقاله ارائه شد که به‌طور خلاصه و درمجموع می‌توان آنها را در بندهای زیر خلاصه کرد:

- تغییر شیوه‌های نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها به‌منظور پیشگیری از جرائم بانکی؛

- اصلاح ساختار بانکی کشور؛

- انحلال مؤسسات مالی و اعتباری بدون مجوز که بسیاری از جرائم بانکی از طریق

این مؤسسات روی می‌دهد؛

- تصویب و وضع مواد قانونی مرتبط با جرائم بانکی و نظارت دقیق بر اجرای آن.

منابع

ایوالحسنی هستیانی، اصغر و دانیال، قربان. (۱۳۹۷). تدوین الگوی راهبردی پیشگیری از پولشویی در ساختار نظام بانکی کشور (مطالعه موردی بانک صادرات ایران). *فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۶(۴)، صص ۲۴-۱۱. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/393894>

اسدی، بهنام. (۱۳۹۷). بررسی حقوقی پولشویی در نظام بانکی کشور. *مطالعات نوین بانکی*، ۱(۱)، صص. قابل بازیابی از: <https://civilica.com/doc/836172>

بکاریا، سزار. (۱۳۸۹). *جرایم و مجازات‌ها*. محمدعلی اردبیلی، مترجم. چاپ ششم. تهران: میزان.

تانزی، ویتو. (۱۳۷۸). مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد. بهمن آقایی، مترجم. *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/94418>

جین، آرویند. کی. (۱۳۸۶). *اقتصاد سیاسی فساد (کالبدشکافی مفاسد اقتصادی سیاستمداران)*. علی بختیاری زاده، مترجم. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

رمضانی، فرشاد و عبدی، سمیه. (۱۳۹۷). *خلاءهای قانونی برای مبارزه با جرایم اقتصادی در حقوق ایران*. کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت. حسابداری مطالعات حقوقی و اجتماعی. ارومیه. قابل بازیابی از: <https://civilica.com/doc/825205>

سبزه‌علیان، یاسین. (۱۳۹۷). *بررسی مقررات مبارزه با پولشویی در حقوق کیفری ایران*. سومین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی. همدان. قابل بازیابی از: <https://civilica.com/doc/855505>

صادقی، محسن. (۱۳۸۹). *مبانی از مباحث حقوق و اقتصاد: چالش‌های حقوقی و اقتصادی ثبت «کاربرد جدید دارویی» برای کشورهای در حال توسعه*. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۰(۱)، صص ۱۵۹-۱۷۸. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/244645>

طالبیان، حسین. (۱۳۹۸). شیوه‌های نوین مقابله با جرائم اقتصادی. *فصلنامه کارآگاه*، ۱۳(۴۹)، صص ۵۱-۶۷. قابل بازیابی از: http://journals.police.ir/article_93845.html

قیاسی، جلال‌الدین. (۱۳۸۵). *مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی*. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

کوشا، جعفر و دهقانی سانج، محمدرضا. (۱۳۹۶). *سیاست جنایی در جرایم اقتصادی*. *مجله دانش حقوق و مالیه*، ۲(۲)، صص ۵۸-۱۰۱. قابل بازیابی از: <https://malieh.dmk.ir/article-1-45-fa.html>

لازرژی، کریستین. (۱۳۸۲). *درآمدی بر سیاست جنایی*. علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم. چاپ اول. تهران: نشر میزان.

مارتی، دلما. (۱۳۸۱). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم. چاپ اول. تهران: نشر میزان.

مصباحی‌مقدم، غلامرضا. (۱۳۹۷). چالش‌های بانکداری بدون ربا در ایران (راهکارهای برون رفت). *فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۱۸(۶۹)، صص ۱۱۷-۱۴۵. قابل‌بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/386891>

موسوی، سیدمرتضی. (۱۳۹۷). *جرایم مؤسسات پولی و اعتباری غیربانکی در حقوق ایران*. دومین همایش بین‌المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی. تهران. قابل‌بازیابی از: <https://civilica.com/doc/869360>

نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشمی‌گی، حمید. (۱۳۷۸). *دانشنامه جرم‌شناسی*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۷). *خلاصه تفریقات حقوق کیفری اقتصادی*. دوره کارشناسی ارشد. ویرایش دکتر فاطمه قناد و امین جعفری.

نظریور، محمدنقی؛ یوسفی، محمدرضا و ابراهیمی، میمنت. (۱۳۹۱). بررسی شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران، مطالعه موردی بانک تجارت مشهد مقدس. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۴۳)، صص ۱۸۸-۱۵۷. قابل‌بازیابی از: http://eghtesad.iict.ac.ir/article_16794.html

نظری، محمدرضا. (۱۳۹۰). *شناسایی زمینه‌های فساد اقتصادی در مناقصات دولتی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

